

تولید خرده پای در کشاورزی

مسئله دهقانی در دولتهای مدرن سرمایه داری مکرراً به سردرگمی و دودلی در میان مارکسیستها و بیشترین حملات اقتصاد سیاسی (تخصصی) بورژوازی به مارکسیسم می انجامد. مارکسیستها می گویند، در سرمایه داری، تولید خرده پای در کشاورزی محکوم به زوال و بطور شگفت آوری محکوم به قرار داشتن در وضع پست و پایمال شده‌ای می باشد. تولید خرده پای متکی به سرمایه بزرگ است، و در مقایسه با تولید بزرگ کشاورزی عقب مانده است و تنها به وسیله کاهش اسفناک مصرف و رنج کشی پر زحمت و سخت می تواند ادامه یابد. ائتلاف و هدر رفتن کار انسانی، بدترین اشکال وابستگی تولید کننده، تحلیل رفتن خانواده، زمین و گله دهقان - این است آنچه سرمایه داری در همه جا برای دهقان می آورد. هیچ راه رهایی برای دهقان بجز پیوستن به فعالیتهای پرولتاریا و عمدتاً کارگران مزدگیر وجود ندارد.

برعکس، اقتصاد سیاسی بورژوازی، نارودنیکها [۱] و فرصت طلبانی که از آن دفاع می کنند (گرچه ممکنست آنها همیشه از این حقیقت آگاه نباشند)، سعی دارند ثابت نمایند که تولید خرده پای قابل دوام و با صرفه تر از تولید در مقیاس بزرگ است. دهقان، که وضع ثابت و مطمئنی در جامعه سرمایه داری دارد، بایستی به طرف بورژوازی، نه به طرف پرولتاریا گرایش یابد؛ او نباید به مبارزه طبقاتی کارگران مزدگیر جذب شود، بلکه بایستی کوشش نماید وضع خود را به عنوان یک مالک و ارباب محکم کند - چنین است مفاد تئوری اقتصاددانان بورژوا. ما می کوشیم صحت تئوریهای پرولتری و بورژوازی را با داده‌های دقیق بیازماییم. بگذارید داده‌ها درباره کار زنان در کشاورزی در اتریش و آلمان را در نظر بگیریم. داده‌های کامل برای روسیه هنوز موجود نیست زیرا دولت مایل نیست از همه مؤسسات کشاورزی بر اساس علمی آمارگیری نماید.

در اتریش، بنابر سرشماری ۱۹۰۲، از ۹۰۷۰۶۸۲ نفر شاغل در کشاورزی ۴۴۲۲۹۸۱ یا ۴۸/۷ درصد زن بودند. در آلمان، جایی که سرمایه داری بسیار توسعه یافته تر است، زنان اکثریت کسانی را که به کشاورزی اشتغال دارند تشکیل می دهند - ۵۴/۸ درصد. هر چه سرمایه داری بیشتر در کشاورزی توسعه یابد، بیشتر کارگر زن استخدام می نماید، به عبارت دیگر، شرایط زیست توده‌های کارگر را بدتر می کند. زنان شاغل در صنعت آلمان ۲۵ درصد کل نیروی کار را تشکیل می دهند، اما در کشاورزی، آنها بیش از ۵۰ درصد را تشکیل می دهند. این نشان می دهد که صنعت بهترین [نیروی] کار را جذب کرده و ضعیف ترها را در کشاورزی می گذارد.

هم اکنون در کشورهای سرمایه داری توسعه یافته، کشاورزی عمدتاً یک شغل زنانه شده است. اگر ما آمار مزارع با مساحت‌های مختلف را بررسی کنیم خواهیم دید که بخصوص در تولید خرده پای است که نسبت استثمار کار زن زیادت‌تر است. از طرف دیگر، حتی در کشاورزی، تولید سرمایه داری بزرگ عمدتاً کارگر مرد استخدام می نماید، گرچه در این مورد به پای صنعت نرسیده است.

در زیر مقایسه ارقام مربوط به اتریش و آلمان می آید:

درصد زنان شاغل		گروه بنا به مساحت مزرعه (به هکتار)	نوع مزرعه
اتریش	آلمان		
۵۲/۰	۷۴/۱	تا نصف	پرولتری
۵۰/۹	۶۵/۷	۱/۲ تا ۲	
۴۹/۶	۵۴/۴	۲ تا ۵	دهقانی
۴۸/۵	۵۰/۲	۵ تا ۱۰	
۴۸/۶	۴۸/۴	۱۰ تا ۲۰	سرمایه داری
۴۶/۶	۴۴/۸	۲۰ تا ۱۰۰	
۲۷/۴	۴۱/۰	۱۰۰ و بیشتر	
۴۸/۷	۵۴/۸		برای همه مزارع

در هر دو کشور، ما، عمل همان قانون کشاورزی سرمایه داری را مشاهده می کنیم. هر چه مقیاس تولید کوچک تر باشد ترکیب نیروی کار **ضعیف تر** بوده و تعداد زنان در کل رقم افراد شاغل در کشاورزی بیشتر است.

وضع عمومی تحت سرمایه داری این چنین است. در مزارع پرولتری، یعنی آنهایی که «مالکین» شان عمدتاً به وسیله کار مزدی زندگی می کنند (کارگران کشاورزی، کارگران روز مزد، و کارگران مزدگیر بطور عام که قطعه زمین کوچکی دارند)، گاهی تا مقدار خیلی زیادی، **کار زن بر کار مرد می چربد**.

نباید فراموش شود که تعداد این مزارع پرولتری یا کارگری بسیار زیاد است: در اتریش آنها ۱۳۰۰۰۰۰ از کل ۲۸۰۰۰۰۰ مزرعه و در آلمان آنها حتی ۳۴۰۰۰۰۰ از کل ۵۷۰۰۰۰۰۰ می باشند.

در مزارع دهقانی کار زن و مرد تقریباً به نسبت مساوی استعمال می شود.

بالاخره، در مزارع سرمایه داری، **کار مرد بر کار زن می چربد**.

این به چه معنی است؟

این بدان معنی است که ترکیب نیروی کار در تولید خرده پایی حقیرتر از تولید سرمایه داری بزرگ است.

این بدان معنی است که در کشاورزی کارگر زن – زن پرولتر و زن دهقان – باید هر چه بیشتر تلاش کند، باید تا آخرین حد به خود فشار آورد، باید بخاطر کارش به زیان سلامتی خود و فرزندانش رنج بکشد، برای آنکه تا حد امکان به کارگر مرد در تولید بزرگ سرمایه داری برسد.

این بدان معنی است که تحت سرمایه داری، تولید خرده پایی تنها با **کشیدن کار بیشتری** از کارگر نسبت به کاری که از کارگر در تولید بزرگ کشیده می شود ادامه می یابد.

دهقان بیشتر گرفتار است، بیشتر در تور پیچیده وابستگی سرمایه داری گره خورده است تا کارگر مزدگیر. او فکر می کند که مستقل است، که می تواند «خوب بگرداند»؛ ولی در حقیقت، برای ادامه، او باید سخت تر از کارگر مزدگیر (برای سرمایه) کار کند.

ارقام درباره کار **کودکان** در کشاورزی این را با وضوح بیشتری ثابت می کند.*

* مراجعه نمایید به صفحات ۱۲-۲۰۹ جلد ۱۹ مجموعه آثار لنین به زبان انگلیسی – ویراستار.

امضاء : و. ای.
رابوچایا پراودا، شماره ۵
۱۸ ژوئیه ۱۹۱۳
مجموعه آثار لنین، جلد ۱۹

توضیحات

۱- نارودنیکها – نمایندگان یک گرایش ایدئولوژیک و سیاسی بودند در روسیه. خصایل متمایز کننده ایدئولوژی نارودنیکی عبارتند بودند از انکار نقش رهبری پرولتاریا در جنبش انقلابی و اعتقاد نادرست به اینکه انقلاب سوسیالیستی می تواند به توسط مالکین کوچک، دهقانان، اجرا شود.

کمونیستهای انقلابی

<http://www.k-en.com>

info@k-en.com